

گفت و گو محمود گبرلو با مسعود ده نمکی در برنامه هفت

همیشه نگران خودم هستم!

مسعود ده نمکی متولد ۱۳۴۸ ، فیمساز ، روزنامه نگار و کارگردان اهل ایران است. او متولد شهر اهر است و پدرش متولد ده نمک در شهر اراک می باشد به همین علت فامیلی اش ده نمکی است. اولین فیلم مستندش را در سال ۱۳۸۳ با نام فقر و فحشا ساخته است و اولین فیلم سینمایی اش اخراجی ها در سال ۱۳۸۶ می باشد. گفت و گو با مسعود ده نمکی کار ساده ای نیست اما او آدم سختی هم نیست، کافیت اعتماد کند و بداند کسی با او و فیلم هایش مشکل شخصی ندارد و با غرض به این پدیده سینمای ایران نمی گردد. ده نمکی در این گفت و گو به تجاری که از طریق فیلم سازی به دست آورده و ارتباط گسترده ای که این بار با ابزار سینما با مردم برقرار کرده اشاره کرده است . او در کنار آن به دغدغه هایش در سینمای دفاع مقدس و تفاوت نگاه هایی که در این سینما رایج است و معمولاً به محل اختلاف نظر تبدیل می شود اشاره کرده است ، او همچنین درباره شائبه هایی که پیرامون حضورش در سینما وجود دارد و معمولاً در جایگاه نقد او و آثارش از این حاشیه ها به عنوان دستاویز حمله به او مورد استفاده قرار می گیرند صحبت کرده است.

مسعود ده نمکی مسیری را در سینمای ایران هموار کرد که حالا همه درباره اش بحث می کنند. که چگونه می توان با مضمون دفاع مقدس فیلم ساخت و مخاطب انبوهی را به سالن های سینما جذب کرد چه رازی در فیلم سازی شما وجود دارد که می تواند مردم را به سالن سینما بیاورد؟

راستش من اگر بخواهم واقعیت را بگویم و طفره نروم باید بگویم که این لطف خداست ، یعنی خودم نگاه کارشناسانه ای به این قضیه ندارم البته این موفقیت ها جای تحلیل دارد و تا به امروز هم به طور مناسب تحلیل نشده همان طور که آقای حاتمی کیا هم در جایی به این نکته اشاره کرد که به جای این که بیایید فیلم های

دهنمکی را نادیده بگیرید و هدف موفقیتش را به یک حاشیه ربط بدهید بیایید بررسی کنید و ببینید که چرا این اتفاق می افتد ، اگر یک اتفاق تصادفی باشد یک بار رخ می دهد و نه چندین بار ، در مستند این اتفاق می افتد پس در سینمایی نباید اتفاق بیفتد که می افتد و در کار طنز نمود پیدا می کند در کار جدی نباید نمود یابد که نمودار می شود.

یعنی شما به تحلیل مشخصی از این تداوم موفقیت نرسیده‌اید ؟

همان طور که گفتم بخشی از این ماجرا به این برمی گردد که خدا به ما نگاه می کند و می بیند ما غریبیم. (تعز من تشاء و تذال من تشاء) خداوند وقتی می بیند آدم کسی را به جز خودش ندارد سعی می کند با لطف خودش آن خلا را پر کند.

اما جز این ، به هر حال در فیلم سازی به روشی برای دستیابی به مخاطب رسیده‌اید که همه این روش نمی تواند از ناخودآگاه شما بیاید ؟

بله ، در کنار همه خلاها و نادیده‌انگاریها رفتن به سمت طرح ناگفته‌ها و احترام قائل شدن برای مخاطب برای من اصل است . یک اثر وقتی پر مخاطب می شود که شاخصه‌های مختلفی داشته باشد .یکی از آنها حرف زمانه رو زدن است یعنی حرف‌ها را توی فیلم ساز در فیلم متن مطرح کنی که سال‌ها بعد ممکن است یک نفر آن را در فیلمش بگنجاند یا بعد از آنکه بابش باز شد به سراغ آن برود و معتقدم اخراجی‌ها نگاه و حرف نویی داشت حالا بعضی‌ها این را نمی خواهند بپذیرند یا روی این نکته زوم می کنند که غالب آن دنباله‌رو یک طنز دیگر بوده است . حرف من اینست که اگر آن فیلم هم چنین پتانسیلی داشت استقبال شگفتی که از فیلم من شد برایش اتفاق می افتد گرچه من ارزش‌های آن فیلم را نفی نمی کنم منظور من اینست که آن فیلم در یک

جایگاه دیگر قرار دارد . من اصولاً به سینمایی معتقدم که برآمده از واقعیت های جامعه باشد ضمن آنکه مردم را جذب کنند چراکه معتقدم جذابیت جزو ویژگی های سینماست و نباید به معادله فیلم سازی و مخاطب یک طرفه نگاه کرد و گفت ما فیلمی را می سازیم مردم دوست داشته باشند ببینند و دوست نداشتن آن را نبینند.

یعنی از اساس فقط فیلمی را قبول دارید که برای مخاطب ساخته می شود؟

بله ، تعریف سینما براساس مباحث آکادمیک بر سه ضلع صنعت ، رسانه و هنر استوار است . ضلع صنعتی اش جذب مخاطب و گردش اقتصادی است . ضلع هنری اش همان مباحث تکنیکال یک فیلم است و ضلع رسانه ای اش آن چیزی است که قرار است به مخاطب منتقل کنند . این که شما فیلمی بسازی که مخاطب نداشته باشد به نظر من سینما نیست و چیز دیگری است . شاید هم یک نگاه گلخانه ای و چنین اثری حاکم باشد.

آیا یک نویسنده باید طراحی بلد باشد؟

من بخشی از اتفاقی به نام اخراجی ها را ناشی از مطرح نشدن حرف هایم می دانم که مردم از واقعیت های اجتماعی دفاع مقدس می دانستند ولی سینماگران به سمت آن ها نمی رفتند ؟

بله ، من هم اشاره کردم که این در دیده شدن فیلم های من تاثیر دارد چراکه زاویه نگاه و ورود هر کس به یک ماجرای یک قصه متفاوت است.



شما به احترام به مخاطب اشاره کردید . در سینما این قضیه محل مناقشه است . یعنی آنچه مخالفین شما در مواجهه با کارهایتان مطرح می کنند و موافقین شما دفاع می کنند مرز و جایگاه احترام به مخاطب در سینما از نظر شما کدام قرار دارد ؟ بگذارید رک و صریح عرض کنم برخی می گویند دهنمکی با یکسری سوژه و مضمون وارد سینما شده و مردم را جذب کرده . سوژه هایی که اگر بگذارند هر فیلم ساز دیگری هم درباره آن ها فیلم بسازد می تواند ؟ آیا واقعاً این گونه است ؟ حتی برخی از منتقدان موفقیت شما را به بعضی فیلم سازان قبل از انقلاب و نوع سینمای مخاطب پسندی که داشتند تشبیه می کنند ؟

بارها دیدم دوستانی که این حرف را مطرح می‌کنند و اینجا پشت میز خود به‌عنوان به‌اصطلاح منتقد مخالف فیلم من می‌نویسند در یک موقعیت مشابه از جذب مخاطب و پرفروش بودن فیلم دیگر دفاع می‌کنند، چگونه است که وقتی فیلم ایده‌آل آن‌ها مخاطب دارد آن مخاطب عوام نیست و فهمیم است اما به دیگران که می‌رسد پای نگاه پوپولیستی و عامه‌پسند به میان کشیده می‌شود. راستش من این حرف‌ها را قبول ندارم چون هر فیلم‌سازی آرزو دارد فیلمش با مردم ارتباط برقرار کند و پرمخاطب شود یکی از فیلم‌سازان درجه یک کشور به من گفت این آرزوی همه ماست که فیلم‌مان این‌گونه با مردم ارتباط برقرار کند و حالا تو در فیلم اولت این اتفاق افتاده است.

البته این استقبال مردمی در فیلم دوم سوم چهارم و پنجم هم ادامه پیدا کرد و نشان داد که فراتر از یک اتفاق است ؟

من که اصولاً نگاه دوستان و قبول ندارم گرچه به این هم معتقدم که هر فیلم پرفروشی الزاماً فیلم خوبی نیست . اما مسئله این است که مضمون مناسب و متعالی وجود دارد اما هنر آن جاست که بتوانید این مضامین را با زبان عامه فهم مطرح کنید ، حتی مثنوی معنوی هم از زبان طنز و قصه‌گویی بهره برده است و مفاهیم عالی عرفانی را به شعر تبدیل کرده و حتی به خطوط قرمز هم وارد شده ، آیا شما می‌توانید بگویید که مولانا آدم بی‌سوادی است یا پوپولیستی است؟ این‌گونه نیست چون امروز هم بسیاری از آن مفاهیم به فراخور فهم مخاطب درک می‌شود.

یعنی از نظر شما هنر سخنور یا هنرمند اینست که با زبان خیلی ساده و روان ، بسیاری از مفاهیم را به مردم منتقل کند... ولی در

فیلم های شما هر دو بعد مفهومی و قصه‌گویی به اندازه عمل کرده اند ؟

تلاش من بر این بوده و به نظرم به همین دلیل فیلم‌های من با توده‌های وسیع مردم ارتباط برقرار کرده . هنر بزرگ‌تر اینست که شما بتوانید لایه لایه حرف بزنی ، یعنی بخشی از مخاطب به فراخور فهم خودش با بخشی از قصه درگیر شود و بخشی دیگر از مخاطب با مفاهیم ارائه شده . این را هم بگویم که من اصلاً توقع ندارم بعضی از آدم‌ها که این حرف‌ها را درباره من و فیلم‌هایم می‌زنن همه آنچه را مطرح کرده‌ام بفهمند اما معتقدم مردم ما خیلی از مفاهیم ارائه‌شده در فیلم‌های من را فهمیده‌اند . قصد تقابل هم ندارم و فکر می‌کنم در دعوا و مجادله لااقل درباره فیلم‌های من تمام شده است من دیگر با این دوستان جدل کلامی ندارم و ازین به بعد هم نخواهم داشت . الان هم که با شما صحبت می‌کنم دنبال بحث ژورنالیستی نیستم ولی به‌هرحال چه این‌ها را درک بکنند و چه درک نکنن من در فیلم‌هایم سعی می‌کنم مفاهیم پیچیده را ساده سازی کنم و مطمئنم این دوستان اگر با نگاه فطری به فیلم نگاه می‌کنند هیچ وقت این حرف‌ها را نمی‌زنند.

مستند سازی چیست؟

چرا معتقدید که مردم فیلم‌های شما یا به عبارت بهتر ، نگاه شما در فیلم‌هایتان را می‌پسندند و با این نگاه ارتباط برقرار می‌کنند اما عده‌ای آن را نمی‌پسندند؟

می‌گویند چون غرض آمد هنر پوشیده شد ، صد حجاب از دل بسوی دیده شد ... به نظرم آن‌ها با حجابی که جلوی دید آن‌ها را گرفته فیلم من را نگاه می‌کنند ، نوعی پیش‌داوری که نسبت به من کارگردان دارند و با ذهنیتی ازپیش‌تعیین‌شده به مضامینی که آن‌ها را مطرح می‌کنم نزدیک می‌شوند. خب طبیعی است که وقتی حواس آدم به آنچه به او گفته می‌شود و گوینده حرف معطوف نشود، چیزی متوجه نمی‌شود.

امروز سینما مخاطب گسترده‌ای دارد. میلیون‌ها تحصیل‌کرده و صاحب‌نظر در کنار دیگر طیف‌های مردم. این را که

مخاطبان فیلم‌های شما ساده‌پسند هستند می‌پذیرید؟

قطعاً این فرضیه را نمی‌پذیرم. من نام این مخاطب گسترده را مخاطب عام به معنای عوام نمی‌گذارم و فیلم من هم صرفاً یک فیلم عامه‌پسند نیست. مخاطب گسترده‌ای که شب‌ها فیلم‌های مدرن دنیا رو در سینمای خانگی منزلش می‌بیند و با ماهواره، تلویزیون و سایر رسانه‌های مدرن روبروست، وقتی می‌آید فیلم من را می‌بیند دیگر ساده‌پسند نیست.

اگر قرار بود نگاهی مخاطب گسترده مبتنی بر ساده‌پسندی باشد فیلم‌های اصطلاحاً شونه تخم مرغی هم این اتفاق برایشان باید بیفتد و اگر مخاطب ساده‌پسند از دیگر فیلم‌های ساده‌انگار سینماها هم استقبال مشابه استقبال از فیلم‌های من داشت حال چرا این اتفاق نمی‌افتد، نشان می‌دهد که مخاطب من اتفاقاً مخاطب ساده‌پسند نیست و بیشتر دنبال این است که فیلم من حرف جدیدی داشته باشد و من هم سعی کرده‌ام هر بار با فیلم جدیدم حرف جدیدی برای مخاطب داشته باشم.

واقعاً بیاییم بررسی کنیم که چه اتفاقی می‌افتد که مخاطب فیلم‌های من را، هم اقشار مذهبی و بشدت مذهبی تشکیل می‌دهد و هم طیفی از مخاطبان که جوانند و گفته می‌شود دین‌گریز هستند. اصولاً دفاع مقدس را قبول ندارند و غیر این‌ها به سالن سینما می‌روند می‌خندند، می‌گیرند و آن مفهوم را درک می‌کنند و می‌آیند بیرون در باب دفاع از دین بهتر از رسوایی نمی‌شود فیلم ساخت اتفاقی که برای اولین بار پس از سی سال رخ داد.

من در این فیلم یک روحانی سکولار را تصویر نکردم که به مردم کاری ندارد و داخل خانه‌اش بچه‌اش را تیمار می‌کند او درگیر مسائل جامعه پیرامونش هست و نگاهش این‌گونه است که باید به مردم کار داشته باشد.

مردمی که به خاطر فقر و نداری در آستانه گناه قرار دارند و آن قدر دغدغه اجتماعی دارد که می آید و به خاطر این مردم آبرویش را به خطر می اندازد. متأسفانه وقتی نگاه می کنم ، به این نتیجه می رسم که حتی منتقد مذهبی ما هم این مفاهیم را درک نمی کند و معلوم می شود که او اصلاً دوتا روایت هم نخوانده است. از دید برخی آقایان سینمایی که قرار است مروج درک دینی باشد یعنی صرفاً روایت زندگی حضرت یوسف درحالی که ما قرار است برای مخاطب امروزی حرف بزنیم نباید دست به نمادسازی بزنیم.

قبل از شروع این گفتگو برای فیلم معراجی ها جایزه جشنواره فیلم مقاومت را دریافت کردید .چه احساسی دارید؟

راستش سعی می کنم کمتر در مورد این جایزه صحبت کنم.

یعنی کلاً نمی خواهید درباره اش صحبت کنید؟

به هر حال من واقعاً می گویم که نگاهم به جشنواره ها نیست. البته قبلاً فکر می کردم جشنواره مقاومت و دفاع مقدس با سایر جشنواره ها تفاوت می کند ، اما به نظرم این جشنواره هم تفاوتی با بقیه تفاوتی ندارد ... ضمن آنکه من معتقدم فیلم را نباید برای جشنواره ساخت. حتی به این قائل نیستم که فیلمی بسازم که در جشنواره دفاع مقدس نمایش داده شود.



پس مردم چه؟

یک بخش زیادی از این مردم قشر خاکستری هستند . بخش سیاه و سفید جامعه انتخاب‌های خودشان را کردند و پای اعتقاداتشان سفت و محکم ایستادند و حالا ریزش و رویش هر دو طرف است. هر دو طیف هستند مثلاً یک سال پنج میلیون نفر را به راهیان نور می‌برند و یک سال سه میلیون نفر را اما هفتاد میلیون نفر را نمی‌برند. هنر سینما یکی از وظایفش اینست که اگر آن هفتاد میلیون نفر را به راهیان نور نمی‌برند راهیان نور را بردارد و به داخل خانه مردم ببرد یا مردم را برای دیدن حماسه‌ها و ارزش‌گذاری روی مفاهیم به سالن سینما بکشاند کاری که غربی‌ها با فیلم و سینما برای مردم دنیا انجام می‌دهند.

نیم قرن از جنگ ویتنام گذشته اما هنوز بهترین فیلم‌های آن‌ها درباره این جنگ است مخاطب هم دارد. چرا فیلم دفاع مقدس ما مخاطب ندارد خب این نیاز به آسیب شناسی دارد من به‌عنوان کسی که روزنامه نگار بودم و نسبت به آسیب‌های اجتماعی منتقد بودم و از بیرون به قصه نگاه می‌کردم به این نتیجه رسیدم که به عنوان کسی که جنگ را از نزدیک لمس کرده ، وارد میدان شوم و موج تازه‌ای را مقابل فیلم‌هایی که مخاطب را از سینما فراری داده‌اند ، مقابله فیلم‌هایی که به اسم شعاری نبودن ، دفاع مقدس را تحریف کردن بایستم چراکه معتقد بودم عده‌ای با نگاه کهنه و غیر جذاب درحال افتادن از آن سوی بام هستند و عده‌ای دیگر هم به اسم فرار از شعار به القای نگاه ضد دفاع مقدس واقعیت‌ها را حتی در تیپ و رفتار رزمنده‌ها تحریف می‌کنند.

ساخت فیلم‌های آموزشی حرفه‌ای

به جای خوبی رسیدید مرز این‌که یک فیلم ضد دفاع مقدس باشد یا مثلاً در کنار تبیین ارزش‌های دفاع مقدس ، اصل جنگ را نکوهش کند ، کجاست ؟

شما دیدید در قسمت اول سه‌گانه اخراجی‌ها یک بخش از آدم‌های جنگ سال‌ها به دلایل مختلف سانسور شده بودند دیده شدند ، بعد از آن فیلم ده‌ها جلد کتاب درباره آدم‌ها منتشر شد و درواقع آدم‌ها جرئت کردن خاطرات خودشان را بنویسند ، عده‌ای می‌گویند آیا آدم‌های جبهه امثال مجید سوزوکی و ... بوده اند ، واضح است که این‌گونه نبوده بلکه این آدم‌ها هم در جبهه حاضر بودند یعنی هم سوزوکی‌ها بوده‌اند و هم حاجی‌ها و سیدها.

تازه افرادی که من نشان دادم بعد به مسیر درستی هدایت می‌شوند مرز بین نگاه ضد جنگ و ضد دفاع اینجاست همان جمله مشهور امام خمینی است که می‌گفتند جبهه دانشگاه آدم سازی است. یعنی تصویر یکی مثل مجید سوزوکی که تا دیروز در خیابان برای دفاع از ناموس خودش قمه می‌کشیده و حالا به ظرفیتی

می‌رسد که برای دفاع از کشورش مقاومت می‌کند نه این‌که نوار فروشی راهی جبهه شود و سی‌دی فروش از جبهه برگردد تحریف اینجاست. نکته دیگر در تشخیص این مرز رساندن مخاطب و دنیا به باورپذیری است ، ما همیشه مردان جنگ را نشان دادیم ، ما از پیروزی‌ها گفته‌ایم و از شکست‌ها نگفته‌ایم . اگر این شکست‌ها را نشان ندهیم اگر عملیات رمضان را برای این نسل روایت نکنیم ، مردم عظمت عملیات کربلای پنج را باور نمی‌کنند چون دشمن را کوچک کرده‌ایم.

یعنی به عقیده شما ، وقتی جلوی بیان حقیقت گرفته شود ، و نتوان نگاه ضد جنگ درست را ارائه داد ، فیلم‌ساز به سمت نگاه ضد دفاع می‌رود ؟

بله ، این مسیر را باید درست رفت و تبدیل به ضد خودش نشود و نگاه بیمار و کاسب‌کارانه از آن بیرون نیاید . ما فیلم معراجی‌ها را برای بخشی از سرداران جنگ نمایش دادیم و همه با اشک از سالن بیرون آمدند چون من همه توانم را گذاشته بودم تا خلق صحنه‌های جنگ به کاریکاتور بدل نشود ، من شاهد بودم که یکی از دوستانم که در جنگ دچار موج گرفتگی شده بود در صحنه‌هایی از فیلم وسط سینما فریاد زد که یکی اون دوشکا رو بزنه همان اتفاقی که در واقعیت برای ما افتاد.

این به این معناست که فیلم کار خودش را کرد ، با این وجود از من انتقاد کردند که چرا فیلم این قدر تلخ تمام می‌شود و من مجبور شدم یک عملیات ایدایی را برایشان شرح بدهم و بگویم که معنای این‌که همه توان لجستیک دنیا در اختیار صدام بود یعنی چه.

واقعیت اینست که ما دشمن را در فیلم‌هایمان درست معرفی نکرده‌ایم و به همین دلیل عظمت کار بچه‌های جنگ کامل بیان نشده است ، جالب اینجاست که همین معراجی‌ها که می‌گفتند تلخ است و شکست ده نمکی را رقم می‌زند پنج میلیارد فروخت و مخاطبی آن را دید که چشمانش اشک‌بار بود و می‌دانست که قرار است نسخه

سریال آن هم از تلویزیون پخش شود یا حرف‌هایی که ما در نسخه تلویزیونی این فیلم در باب شهدای گمنام مطرح کردیم حرف زیاد است در دوران جنگ ویلاهایی برای آقایان ساخته می‌شد درحالی‌که بچه‌ها در خط مقدم لودر نداشتند تا خاک‌ریز بزند ما هم می‌خواستیم بجنگیم و هم می‌خواستیم نجنگیم.

این‌ها حرف‌هایی است که سینمای جنگ هنوز زنده و سیاه‌نمایی هم نیست مدت‌هاست می‌آیند و این را مطرح می‌کنند که چرا رفتید جنگیدید اتفاقاً الان باید این سوال مطرح شود که چرا نیامدید بجنگید؟ مملکتی که بیست میلیون جوان داشت باید به تعبیر امام رحمه الله بیست میلیون تفنگ‌دار می‌داشت اما در شرایطی که مردم ما می‌دانستند قسمت صدم اوشین دارد پخش می‌شود اینا نمی‌دونستن که کدام عملیات والفجر در جبهه شروع شد و چطور می‌شود برخی حرف‌هایی که آقایون امروز مطرح می‌کنند را باور کرد این را می‌دانم که در فضای سینما خیلی سخت می‌توانم خودم را کنترل کنم و اگر دوران فعالیت سیاسی هم بود این حرف‌ها را خیلی صریح‌تر مطرح می‌کردم.

هر آنچه راجع به فیلم مستند باید بدانید

این جا در مدیوم سینما می‌گویند باید با لبخند حرف‌ها را زد و من این را زیاد بلد نیستم . فقط این را می‌پرسم که چرا ما باید بدهکار آقایان باشیم . سینمای ضد دفاع مقدس که برخی‌ها دنبال آن هستند اصلاً چرا باید وجود داشته باشد این نوع نگاه را باید کشورهای که جنگشان تجاوزکارانه بود دنبال کنند یا آقایان بیایند در مورد اجدادشان که کشورگشایی می‌کردند فیلم بسازند چرا در مورد نسلی می‌سازند که فقط از مرزهای این کشور دفاع کردند.

شما رفتید زندگی تان را کردید ، پول هایتان را انباشتید تا بچه هایتان به خارج از کشور بروند درسشان را بخوانند و جوان های ما رفتند و قربانی شدن این ها بدهکار نیستند این ها باید طلبکار باشند . چطور است که امام گفتند من جام زهر آگین قبول قطعنامه را نوشیدم چرا به اینجا که می رسد بعضی ها به امام نامه می نویسند که مردم شوق رفتن به جبهه را ندارند و صلاح بر این است که قطعنامه را بپذیریم . وظیفه سینما پرداختن به این گونه ناگفته هاست.

گاهی اوقات اگر فیلم سازی مسائل را مطرح کند ممکن است به سیاه نمایی متهم شود؟

اما دغدغه من بیان این ناگفته هاس چطور از آن طرف هیچ اتفاقی نمی افتد ؟ نمی خواهم نام ببرم اما می بینم که با پول نظام به اسم فیلم فاخر فیلم هایی ساخته می شود که مضمونش ضد دفاع مقدس است . یعنی تصویر یک جنگ پوچ فیلمی ساخته می شود که همین سؤال در آنست که اصلاً چرا رفتید جنگیدید ، چهار نسل ما باید تاوان شما را پس بدهند و این یعنی کسانی که با بودجه دولتی فیلم می سازند و فیلم سازی را در سینمای دفاع مقدس یاد گرفتند حالا پز روشن فکری می گیرند تا آن سوی آبها او را به رسمیت بشناسند . متأسفانه این معضل در طیف منتقدان بچه مسلمان ما هم هست به همین دلیل است که آقای حاتمی کیا سینماگران هم نسل خودش می خواهد که خودشان باشند اگر قرار است خودمان باشیم اگر فیلم سازی که برادر شهید است با زاویه نگاه برادر شهید خود فیلم را بسازد هیچ گاه نمی آید بگوید که جنگ ما برادر کشی بود.

به نگاه برخی فیلم سازان به آن سوی آبها اشاره کردید . یکی از بحث هایی که در پیرامون فیلم های دفاع مقدس وجود دارد مطرح نشدن این فیلم ها در بازار جهانی و جشنواره هاست . چه تحلیلی بر این قضیه دارید ؟

به نظرم حضور پیدا کردن فیلم‌های دفاع مقدس در بازار جهانی یک نگاه خوش‌بینانه است. بازاری که اساسش دست غربی‌هاست و آن‌ها حتی اجازه پخش برنامه‌های تلویزیونی ما روی امواج ماهواره‌هایشان را نمی‌دهند چه برسد به این که سالن‌هایشان را به نمایش فیلم‌های دفاع مقدس ما اختصاص دهند.

یعنی ما هیچوقت نمی‌توانیم شاهد نمایش فیلم‌های دفاع مقدس در بازار جهانی باشیم؟

بازار جهانی به مفهوم اکران جهانی نه. به نظر من آن‌ها هیچوقت این حضور را نخواهند پذیرفت. آن‌ها هشت سال مستقیماً علیه ما جنگیدند و سال‌هاست که با ترویج آرمان‌های ما در دنیا مشکل داشتند چطور می‌شود آمریکایی‌ها که صلاح‌هایش را در اختیار صدام قرار می‌داد به سینمای دفاع مقدس ما روی خوش نشان دهد. طبیعی است که آن‌ها نمی‌خواهند ماهیت‌شان رو شود باید بگویم که آن‌ها هوشمندانه‌تر از بعضی مسئولان ما عمل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند منافع ملی و باورهای ایدئولوژیک‌شان به خطر بیفتد. در دایره فیلم‌سازی خودشان هم رعایت می‌کنند پنتاگون هم به هالیوود اجازه نمی‌دهد که فیلمی علیه ارزش‌های خودشان بسازند تا پز جهانی بدهند اگر هم در ظاهر چنین فیلمی ساخته شود به آن فیلم جهت می‌دهند که درنهایت به نفع‌شان تمام شود.

در صحبت‌های خود به این اشاره کردید که برخی‌ها با بودجه دولتی فیلم دفاع مقدس می‌سازند حالا جدا از بحث محتوا ارزیابی

شما از رویکرد حمایتی این‌گونه از سینمای دفاع مقدس چیست؟ با آن موافقید آن را به نفع بقای این سینما می‌دانید یا نه؟

من منکر حمایت دولتی از سینماگران نیستم اما به نظرم فیلم‌ساز باید تکلیفش با سینما و خودش روشن باشد. به هر حال دولت وظیفه دارد از سینمای دفاع مقدس حمایت کند و به کسانی که می‌خواهند در این حوزه کارکنند نگاهی ویژه داشته باشد اما به این نکته توجه کنیم که شکل این حمایت نباید صرفاً حمایت مالی باشد

چون ارتباط فیلم‌ساز و اثرش با مردم همیشه برقرار نمی‌شود ممکن است با این نگاه حمایت به نتیجه خوبی ختم نشود الزاماً همه فیلم‌ها نمی‌توانند پرفروش شوند و الزاماً همه فیلم‌ها قرار نیست زبان طنز داشته باشند.



و الزاماً هم همه نمی‌توانند ده‌نمکی باشند ؟

بحث من این است که نباید پول مستقیم به یک فیلم‌ساز داده شود . زمانی در دوره جنگ عده‌ای از قبل جنگ برای خود کیسه می‌دوختند و ثروتمند می‌شدند و حالا هم باید مراقب بود تا سینمای دفاع مقدس باعث زراندوزی بعضی‌ها نشود.

درواقع دولت باید ساختار سینما را به گونه‌ای تعریف کند که تولید فیلم در حوزه دفاع مقدس ارزان شود ضمن آنکه باید در این حوزه به امنیت جانی و امنیت شغلی توجه نهاد های متوالی می‌توانند بر اساس گروه‌های

متخصص و هنروران و دست‌اندرکاران جلوه‌های ویژه و انفجارات آموزش‌های لازم را بدهند . شهرک سینمایی تجهیز شود و از امکانات مدرن تکنیکی استفاده شود تا هزینه تولید یک فیلم سینمایی در حوزه دفاع مقدس به پایین‌ترین حد خود برسد . اگر این امکانات زیرساختی به‌صورت رایگان در اختیار گروه‌ها قرار بگیرد دیگر لازم نیست برای فیلم و فیلم‌ساز بودجه‌های میلیاردی تصویب کنند . خیلی‌ها حتی راغب خواهند شد تا توان خود را در این زمینه آزمایش کنند.

مسعود ده‌نمکی تا چه زمانی می‌خواهد در سینمای ایران فعالیت کند؟

یعنی منظورتان این است که چه زمانی می‌خواهم از سینمای ایران بروم ؟

نقد فیلم‌ها از نگاهی دیگر

نه ، منظورم خیلی واضح اینست که چه چشم‌اندازی برای فعالیت خود در سینما ، به‌صورت حرفه‌ای ترسیم کرده‌اید ؟ یک بار دیگر به این اشاره کرده بودید که نمی‌خواهید بمانید و ... می‌خواهم ببینم واقعاً تا چه زمانی قصد ماندن در این سینما را دارید ؟

حقیقتش تا موقعی که حرفی برای گفتن داشته باشم ، یعنی من الزامی به این ندارم که هر سال یک فیلم بسازم شاید هر دو سال یک‌بار یا اصلاً هر پنج سال یک‌بار فیلم بسازم من دوست دارم بیشتر وقتم را به تحقیق اختصاص دهم و اگر در همین سال‌ها روی پژوهش در زمینه دفاع مقدسی و تاریخ انقلاب وقت می‌گذاشتم حتماً فروش بهتری داشتم به‌رحال اگر حرفی داشته باشم فیلم می‌سازم و اگر حرفی نداشته باشم حتماً کار نخواهم کرد.

من از سال ۸۳ با [مستند فقر و فحشا](#) وارد سینما شدم و مجموعه استقبال از فیلم‌های من در سینما در این مدت بالای ده میلیون نفر بیننده بوده است . همیشه به فیلم‌هایی که آن‌ها را ساختم باور و اعتقاد داشتم ، هیچوقت هم دستم را جلو دیگران برای گرفتن پول دراز نکردم و اگر هم دراز می‌کردم به من پولی نمی‌دادند چون این‌ها را بارها تجربه کرده‌ام که همه از فیلم‌نامه‌های من می‌ترسند اما در انتها که خروجی را می‌بینند از آن تعریف می‌کنند و البته صرفاً همان بعد استقبال مردمی را می‌بینند و درک می‌کنم من اگر همین امروز هم نتوانم فیلم بسازم خدا رو شکر می‌کنم که تا اینجا توانستم حرف خودم را بزنم و اگر قرار باشد ادامه بدهم مطمئناً حرف‌هایی را خواهم زد که به آن‌ها اعتقاد دارم . برای تنگ کردن جای کسی به این سینما نیامدم و با کسی هم رقابت ندارم امیدوارم همه فیلم‌ها اکران شوند رکورد اخراجی‌ها، معراجی‌ها و... را بشکنند.

چقدر از انتقادات استفاده می‌کنید و چقدر نگران تداوم فیلم‌سازی و موفقیت فیلم‌هایتان هستید ؟ که به تکرار نیفتید و همچنان حرف‌هایی برای گفتن داشته باشید ؟

راستش من خودم همیشه نگران خودم هستم .یعنی با پایان هر فیلم نگران فیلم بعدی هستم و این‌که به تکرار نیافتم این را گفتم که اگر حرفی نداشته باشم اصولاً دلیلی نمی‌بینم باری به هر جهت فیلمی را بسازم . اما درباره نقدها ، واقعاً حرفی برای گفتن ندارم . مثلاً در اخراجی‌های یک اگر دوستان عرفان می‌فهمیدند که به نماد سازی آن توجه می‌کردند ، برخورد با آن ، طور دیگری می‌شد.

پایان.